

باغ یا پارک؟!!

تقابل مفاهیم در دو زبان مختلف

Garden or Park?! The Contrast of Definitions in Two Various Languages



ناصر براتی، عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.
naser_barati2006@yahoo.com

چکیده: سال‌هاست بحث باغ، باغ‌سازی، و باغ ایرانی در ادبیات و متون معماری و شهرسازی مطرح بوده است. این، جای خوشبختی است؛ ولی بدبختانه هر روز بیش از گذشته "باغ ایرانی" به معنایی که عموم می‌شناختند و می‌شناسند از محیط شهرهای ما رخت برمی‌بندد، بدون آنکه جای خالی آن حس شود. این‌طور به نظر می‌رسد که "پارک" جای آن را گرفته است.

این مقاله به بررسی موجز این موضوع اختصاص یافته است که چه فرق مفهومی و روش‌شناسانه بین باغ‌سازی و پارک‌سازی وجود دارد؟ آیا عنصری به نام پارک می‌تواند و باید جای باغ ایرانی را در جامعه بگیرد؟ چه اندیشه‌ای در این خصوص در جامعه ساری و جاری است؟ آیا ما می‌توانیم عنصری به نام باغ ایرانی را مانند سایر عناصر محیطی - تاریخی به‌عمد به دست فراموشی بسپاریم (کاری که مثلاً در مورد خانه سنتی انجام داده‌ایم)؟ و اگر چنین کنیم چه تأثیری بر جامعه و فرهنگمان خواهد داشت؟ در نهایت سعی شده است، بر پایه رویکرد کل‌نگر، برخی توصیه‌ها در این خصوص ارائه شود.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، باغ‌سازی، پارک.

مقدمه

شاید نتوان با اطمینان کامل این مدعا را که ایرانیان پایه‌گذار عنصری به نام "باغ" به عنوان فضایی از قبل فکر شده و سازماندهی شده شامل عناصر طبیعی که به شیوه خاصی استقرار یافته‌اند و در طول تاریخ، به شکلی قابل مشاهده، تکرار شده است بوده‌اند را ثابت کرد. ولی در عین حال، جامعه و فرهنگ ایرانی دارنده سبک خاصی در سازماندهی فضاهای سبز بوده و تأثیر این سبک بر برخی از جوامع دیگر، غیر قابل انکار است. مستندات متعدد نشان می‌دهند که باغ ایرانی قرن‌ها خود را به اشکال مختلف بازتولید کرده‌اند. این موضوع و چنین شکل پایداری در دوره‌های طولانی تاریخی نشان از یک همبستگی عمیق بین این عنصر با سایر ابعاد و جنبه‌های فرهنگ ایرانی دارد. به‌ویژه آنکه سبک باغ‌سازی ایرانی بعد از تحول بزرگی مانند ورود اسلام به ایران و پذیرش این تحول ایدئولوژیکی عظیم، همچنان توسط اکثریت ایرانیان ادامه یافته است. با این‌همه و به شکلی بدون مقدمه و با سرعتی غیرقابل تصور و ناگهانی فضایی از اروپا وارد شهرهای ایران شد که به زودی جای خود را بازکرد و به نظر می‌رسد جای باغ را گرفته است. این فضا، همان پارک است.

فرضیه

باغ ایرانی تنها یک پدیده هنری در حوزه معماری نیست، بلکه یک پدیده فرهنگی و چندبعدی است.



تصویر ۱: باغ شالیمار؛ نمونه‌ای متأثر از باغ‌سازی ایرانی. کشمیر. مأخذ: www.wikimedia.com

Pic1. Shalimar Garden; Influenced by Persian gardening style. Kashmir, Pakistan, Source: www.wikimedia.com

تصویر ۳: نمونه‌ای از باغ ژاپنی اجرا شده در ایران، بوستان گفتگو، تهران. عکس: شهرزاد خادمی، ۱۳۹۰.

Pic3. An example of Japanese garden constructed in Iran. Goftegoo Park, Tehran, Iran, Photo by: Shahrzad Khademi, 2011.

باغ ایرانی پدیده‌ای فرهنگی است که توانسته با از قلمرو ایران نیز، فراتر نهد. این موضوع نه تنها توسط نویسندگان ایرانی که توسط بسیاری از نویسندگان و تاریخ‌نویسان خارجی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به کنار رانده شدن باغ و تنها یادکردن از آن به عنوان عنصری نوستالژیک و تاریخی، نگاهی است موزه‌ای به فرهنگ ایرانی.



باغ و باغسازی به عنوان یک پدیده فرهنگی

هر عنصر فضایی مانند فضای سبز سازمان یافته آن گاه که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف تکرار می‌شود و فرم‌ها و جزئیات مشابهی را به نمایش می‌گذارد، لاجرم باید واجد یک بستر معنایی-شناختی باشد. به‌ویژه در جامعه و شرایطی که انتقال تجربیات گذشته از نسلی به نسل دیگر به شکل شفاهی و سینه به سینه انجام می‌شده است. بدین ترتیب تصادفی بودن الگوی باغ‌های ایرانی در سراسر قلمروی جغرافیایی-فرهنگی-سیاسی ایران در طول تاریخ منتفی است. به‌ویژه آنکه الگوی باغ ایرانی در بسیاری موارد توانسته است از چارچوب محدودیت‌های اقلیمی نیز عبور کند و فراتر رود (تصویر ۱).

باغ‌های ایرانی تنها مختص اعیان، اشراف و حکمرانان نبوده است. حتی ساختمان‌های مسکونی کوچک هم نسخه کوچکی از باغ، به شکل "باغچه" داشته‌اند. در کنار بسیاری از کاربری‌های دیگر، از جمله بناهای مذهبی، اداری-سیاسی و آموزشی، نیز الگوی باغ و باغچه را می‌بینیم (تصویر ۲).

بنابراین الگوی باغ، عامل مهمی در برقرار کردن پیوند و هویت بخشیدن به "باغ" در طول تاریخ و جغرافیای ایران و نیز میان تعداد بیشماری از ساختمان‌ها و کاربری‌های دیگر بوده است. اگر بپذیریم که مردم بخش مهمی از هویت خود را از محیط می‌گیرند و نسبت دادن خود به یک محیط (و الگوهای غالب در آن)، آنها را به عده خاصی شبیه و نزدیک می‌کند، آن‌گاه می‌توانیم اهمیت نقش الگوهایی چون "باغ ایرانی" را بیشتر درک کنیم. پس، عملکرد باغ ایرانی از حوزه تلطیف هوا و زیبایی‌شناسی صرف بسیار فراتر می‌رود. "باغ ایرانی" از جمله عناصر و عواملی است که ما را به‌عنوان یک ملت در کنار هم قرار داده است. ولی موضوع به همین جا ختم نمی‌شود.

باغ در زبان فارسی

در مورد کلمه "باغ" در زبان فارسی این نگارنده در مقاله دیگری به تفصیل بحث کرده است.^۱ در آن مقاله نشان داده شد که این کلمه با چند کلمه و مفهوم دیگر در زبان فارسی مترادف است. همچنین نشان داده شده است که کلمات دیگر چگونه به ابعاد مختلف این فضای سازمان‌دهنده سبز اشاره می‌کنند. در عین حال، و از جنبه‌ای کاملاً متفاوت مشخص شد، کلماتی که ایرانیان برای نامیدن این فضاهای خاص به کار برده‌اند تا حدود زیادی به آنها نوعی تقدس آسمانی و جنبه متافیزیکی بخشیده است. کلمه باغ یا پردیس یا بهشت و مانند آن همگی به این گونه فضاها نوعی معنویت ویژه می‌بخشیده است. حتی گفته شده که خود کلمه باغ ممکن است نسبتی با کلمه "بغ" در زبان اوستایی داشته باشد که به معنای خداست (براتی، ۱۳۸۳: ۱۵). نباید فراموش کرد که در نهایت انسان جهان و اجزاء و عناصر آن را به‌شکل نمادین درک می‌کند و به‌خاطر می‌سپارد. این، بدان معناست که انسان در فرایندهای ادراک و شناخت از جهان خارج توجهی به عناصر شیمیایی و قوانین فیزیکی و ریاضی ترکیب آنها ندارد (مثلاً صندلی را کسی به‌واسطه ترکیب اتم‌های تشکیل‌دهنده آن به‌خاطر نمی‌آورد، بلکه صندلی نمادی است از استراحت، کار به‌صورت نشسته، ریاست، صدارت و...). همین نمادین‌کردن و سپس درک محیط اطراف و اجزای آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

پارک و پارک‌سازی در ایران

ظاهراً، پارک، هم از لحاظ معنایی و زبانی، و هم از دیدگاه معماری و شهرسازی از زمان قاجاریه وارد ایران شده است. در لغت‌نامه دهخدا زیر کلمه پارک به دو پارک مخبرالدوله و امین‌الدوله اشاره شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۳۴۴). مهم‌تر اینکه او مشخصاً اشاره می‌کند که کلمه "پارک" از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است. این، بدان معناست که احتمالاً ورود عنصری به نام پارک یکی دیگر از دستاوردهای سلاطین قاجار از سفرهای مکررشان به فرانسه بوده است. شاید بتوان نتیجه گرفت که از آن پس "پارک" به‌عنوان یکی از مظاهر تمدن مدرن جای خود را در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری در ایران باز کرد و با سرعتی غیرقابل تصور نه‌تنها جای باغ و باغ‌سازی ایرانی را گرفت، بلکه این رقیب باستانی و سنتی خود را در ایران برای همیشه به بایگانی تاریخ سپرد! از آن پس اگر هم گاهی یادی از باغ شده تعریفی بوده از یک عنصر سنتی که دیگر از مد افتاده است و همان بهتر که تنها در شکل باغ فین کاشان یا شاهزاده ماهان هر از چندگاهی برای تفنن و زنده‌کردن خاطرات تاریخی نوستالژیک و بازنمودن سر صحبت‌های ادیبانه و روشنفکرانه سری به آنها بزنیم. هیچکس فکر بازگرداندن الگوی باغ ایرانی به صحنه برنامه‌ریزی و طراحی محیط زیست شهری در ایران نیست و یا اگر هست کاری از پیش نمی‌برد. جالب‌تر آن که ما این نگاه را به باغ چینی و ژاپنی، به عنوان مثال، نداریم. در همین تهران چندین باغ منصوب به باغ ژاپنی طراحی و اجرا شده است (تصویر ۳).

مقایسه فرایندهای طراحی باغ و پارک

باغ ایرانی حاصل خلق و توسعه یک پدیده فرهنگی-ایدئولوژیک بوده است. بسیار بعید است که طرح و الگوی باغ ایرانی به یکباره به‌وجود آمده باشد. بلکه، به‌ویژه به‌واسطه تداوم معنی‌دار این الگو در طول تاریخ، چنین به‌نظر می‌رسد که الگوی باغ ایرانی از حمایت بسیار قدرتمند، و مستمر جامعه و فرهنگ ایرانی، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، برخوردار بوده است. کلماتی که در زبان فارسی برای نامیدن فضای سبز و محصور از قبل فکر شده به‌کار رفته‌اند نیز، به این موضوع اشاره دارند که جامعه به شکلی آگاهانه قصد نقش دادن و بخشیدن جایگاهی کاملاً برجسته و ریشه‌دار به این گونه از فضا را داشته است (براتی، ۱۳۸۳). به‌همین علت "باغ" جایی نیست که ناشی از خلاقیت‌های ذهنی طراحان باشد. در واقع، الگوی اسطوره‌ای و گوهر باغ از قبل تعیین شده است. عناصر اصلی و چیدمان آنها مشخص هستند و حتی انواع خاصی از درختان و گیاهان در اغلب باغ‌های ایرانی، به چشم می‌خورند. بدین ترتیب در اینجا خلاقیت طراح، به درک بهتر و عمیق‌تر از مفهوم فرهنگی-تاریخی باغ بازمی‌گردد. شاید آنچه در حوزه خلاقیت در چنین حالتی قابل ذکر است، قبض و بسط مفهوم اولیه و ثابت "باغ" باشد.

پس تا اینجا مشخص می‌شود باغ ایرانی یک هویت و موجودیت واقعی دارد و متعلق به جامعه و فرهنگ ایرانی است. این موضوع نه‌تنها توسط نویسندگان ایرانی بلکه توسط نویسندگان، تاریخ‌نویسان، اندیشمندان، سفرنامه‌نویسان و هنرمندان غیرایرانی هم به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است. زیبایی در باغ ایرانی در ابتدا همراه با مفاهیم خیر و مفید به‌صورت بسط و یکجا معنی می‌شده است. از اینرو مؤلفه‌های ذهنی محیط زندگی ایرانیان در طول تاریخ همچون دین، آیین، فرهنگ، قدسیت، اقلیم و عملکرد در آفرینش زیبایی در باغ ایرانی غیرقابل اغماض است... محصول تعامل عوامل یادشده نظامی از زیبایی‌شناسی دوگانه است: از یک‌سو مبتنی بر ادراک محسوس و لذت‌آفرینی برای حواس انسان است و از سوی دیگر شخصیتی نمادین و نشانه‌ای دارد (منصوری، ۱۳۸۴). منصوره در ادامه مقاله عناصری مشترک مانند چشم‌اندازهای بیکران، حضور آب، تعامل با طبیعت به‌جای طبیعت‌گرایی یا طبیعت‌گریزی، تنوع فضایی و در عین حال ایجاد فضاهایی مستقل در باغ و... را باعث زیبایی و فصل مشترک در باغ ایرانی می‌داند (همان). بدین ترتیب، در فرایند طراحی و اجرای باغ ایرانی دست طراح و مجری باز نیست (تصویر ۴). آنها باید در هر حال تابع چارچوب از قبل تعریف شده خاصی باشند. این در حالی است که در فرایند طراحی فضاهای سبزی مدرن برخلاف آنچه در فرایند فوق توضیح داده شد از طراح این انتظار وجود دارد که کلیتی را خلق کند و سپس آن را بپرواند. او باید یک سناریو از یک ایده ذهنی بسازد و آن را به‌شکلی درآورد که یک فضای منسجم واحد را در مقابل چشم دیگران قرار دهد. در چنین حالتی یک طراح می‌تواند در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، به تجربه‌ها و ابتکارهای کاملاً متفاوت و حتی متضادی برای شکل دادن به یک فضای سبزی دست‌بزند. همچنین می‌توان یک ایده کلی در این خصوص در اختیار چند طراح گذاشت و از آنها توقع داشت به گونه‌ای کاملاً متفاوت و حتی متضاد به فضاهای طراحی شده خاص و منحصربه‌فردی دست پیدا کنند. و این همان چیزی است که در حال حاضر در پارک‌سازی‌هایمان در سراسر ایران می‌توان دید.

آیا باید بین باغ و پارک یکی را انتخاب کنیم؟

بعد از شکل‌گرفتن نام پارک‌های مخبرالدوله و امین‌الدوله بر پهنه شهر تهران، عنصر پارک با سرعتی عجیب‌برانگیز جای باغ را گرفت. اینک حتی در روستاهای کشور هم (در غالب طرح‌های هادی روستایی)، صحبت از طراحی و اجرای پارک است! قبلاً این نگارنده در مقاله‌ای به این نکته اشاره کرده بود که کلمه پارک (برگرفته از زبان فرانسه) در ابتدا برای نامیدن محوطه‌های محصور سبزی به‌کار می‌رفته است که اغلب محلی برای نگهداری حیوانات اهلی بوده است (براتی، ۱۳۸۳). در حالی که کلمه باغ و چند مترادف آن (مثل پردیس یا فردوس)، جایگاهی مقدس و آسمانی برای این فضا در فرهنگ ما فراهم می‌آورد. ولی این فقط یک بعد از ابعاد مرتبط با این موضوع را نشان می‌دهد. "باغ"، جامعه امروز ما را به مسیر طولانی تاریخ و فرهنگمان گره می‌زند (همان). جوامع و خرده فرهنگ‌ها را در داخل جامعه بزرگ ایرانی، حتی خارج از محدوده جغرافیایی کشور فعلی ایران، به‌یکدیگر پیوند می‌زند. باغ و اجزاء آن بخش مهمی از ساختار فضایی و معماری اسطوره‌ای-سنتی ما را در خود دارد. بدین ترتیب فضای باغ حاصل یک گفتمان تاریخی-فرهنگی ایرانیان در محدوده جهانی است و زبان فارسی آن را مکشوف و هویدا کرده است و زمینه به‌نمایش درآمدن آن را در شکل یک فضای زیبا و پر معنا و غنی، فراهم می‌آورد. مردم با تجربه در چنین فضای ذهنی-عینی، ایرانی بودن، وحدت‌گرا و کمال‌گرا بودن خود را مرور می‌کنند، به‌یاد می‌آورند و آن را برای دیگران بازگو و به نسل بعدی منتقل می‌کنند. درباره اجزاء آن

به تفکر و گفتگو می‌پردازند و این امر آنها را به‌عنوان یک ملت زنده نگه می‌دارد. باغ، انسان ایرانی را وارد جهان - فرهنگ - زبان خاص خودش می‌کند. او بدین وسیله زندگی در این جهان - فرهنگ - زبان را تجربه و تمرین می‌کند و به بقیه آن متصل می‌شود.^۱ حیدرنتاج در مقاله خود ضمن سلیقه‌های دانستن طراحی پارک‌ها، فضاهای سبز شهری و امثال آن، و فقدان از مبانی نظری در عرصه باغ‌سازی می‌نویسد "دقت در نمونه بوستان‌ها و پاک‌های معاصر این نکته را روشن می‌کند که جامعه ایران به‌عنوان تمدنی که خود ایجادکننده باغ و دارای یکی از سبک‌های مهم باغ‌سازی در جهان است، فاقد روشی جدید برای طراحی باغ و پارک است. این روش جدید می‌تواند از باغ‌سازی ایرانی الگو بگیرد یا خوانشی مجدد از باغ ایرانی باشد" (حیدرنتاج، ۱۳۸۹). حضور در یک باغ ایرانی، به‌طور غیرمستقیم، به ما می‌آموزد چگونه باید جهان نمادین خاص خود را بسازیم. در عین حال، اگر یک طراح بخواهد چیزی از این فضا کم کرده یا بدان بیفزاید، این کار عملی است؛ تا جایی که خوانایی و هویت خود را از دست ندهد. ولی ما به‌جای این کار باغ را به بایگانی فراموشی و نسیان سپردیم. با این تصور که این الگوها دیگر به کار نمی‌آیند. این مانند آن می‌ماند که حضور جامعه و فرهنگ امروز ایران را در جهان امروز امری باطل به‌حساب آوریم!

ما الزامی به انتخاب یکی از الگوها و یا روش‌های طراحی فوق نداریم. هر کدام از آنها می‌توانند جایگاه خاص خود را داشته باشند. اما، باعث نگرانی آنست که عده‌ای خواسته یا ناخواسته سعی کرده‌اند الگوی باغ ایرانی را به هر دلیلی حذف و الگوی فضای سبز مدرن را جانشین آن کنند. در حالی که الگو و فضای باغ ایرانی در تداوم بخشیدن به جهان، تصور و ذهنیت ویژه ایرانی نقشی بسیار مهم و غیرقابل جانشین دارد. حذف باغ - پردیس، خود به خود و در بلندمدت باعث حذف بخشی از زبان در این عرصه می‌شود؛ همچنان که امروزه ده‌ها کلمه در زبان فارسی در خصوص فضای سبز تقریباً به‌طور کامل به فراموشی سپرده شده است.

نتیجه‌گیری

باغ ایرانی تنها یک الگوی معمارانه در کنار الگوهای دیگر نیست. الگو و عناصر و ساختار فضایی باغ ایرانی خلاصه ایران و ایرانی بودن است. کسانی که به الگوی باغ ایرانی غفلت می‌ورزند به یک فاجعه فرهنگی جامه عمل می‌پوشانند. باغ ایرانی مینیاتوری از ایران و ایرانی‌بودگی است. پس از قربانی نمودن "خانه ایرانی" در آستانه "سود اقتصادی"؛ در حالی که می‌توانستیم بسیاری از خانه‌های سنتی را به بهانه‌ها و در اشکال مختلف حفظ کنیم (همان کاری که اغلب اروپائیان انجام داده‌اند)، حال می‌بینیم که باغ هم می‌رود که به سرنوشت خانه دچار شود. در صورتی که طراحان می‌توانستند از هر فرصتی برای ساماندهی و یا ایجاد فضاهای سبز از الگوی باغ ایرانی در عرصه‌های خصوصی، نیمه عمومی و عمومی استفاده کنند؛ برعکس، گاه به نظر می‌رسد کاملاً در جهت خلاف حرکت می‌کنند. باغ ایرانی فقط یک مکانی برای گذراندن اوقات بیکاری یا فراغت نیست، بلکه خودش بخش مهمی از حیات فرهنگی - زبانی ما را تشکیل می‌دهد.

فرهنگ هر جامعه‌ای دارای دو بعد ذهنی (مفهومی - نمادین) و عینی (کالبدی) است. این دو البته زمانی پایدار باقی می‌مانند که، در حوزه‌های به‌نام زبان، به وحدت و تطبیق شناختی برسند. باغ، و کلمات مترادف با آن، از جمله بهترین نمونه‌های این ادعاست. و همین انطباق است که در نهایت به ذهنیت شناختی تاریخی - فرهنگی - زبانی یک ملت و جامعه شکل می‌دهد. به همین علت حذف پدیده "باغ" و "باغ‌سازی" می‌تواند با فراموشی بخشی از خاطرات مهم یک فرد بر اثر یک تصادم شدید، تشبیه شود. بنابراین، به‌نظر می‌رسد طراحان، و دست‌اندرکاران و مدیران فضاهای سبز، در هر مقیاسی، باید هر چه سریع‌تر به یک بازنگری در برخورد با پدیده "باغ ایرانی" بپردازند و راه‌های جدیدی برای طرح مجدد آن در فضاهای شهری پیدا کنند ■

پی‌نوشت

۱. ن. ک. به : براتی، ۱۳۸۳

۲. ن. ک. به : براتی، ۱۳۸۲

منابع

- براتی، ناصر (۱۳۸۲) زبان، تفکر و فضا: پیش‌درآمدی بر نگره‌های بعد از مدرنیسم به محیط زیست، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- براتی، ناصر (۱۳۸۳) باغ و باغ‌سازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی، مجله باغ نظر، شماره ۲، صص ۱۵-۳.
- حیدرنتاج، وحید (۱۳۸۹) پارک شهری با الگوی باغ ایرانی، مجله منظر، شماره ۱۰، صص ۶۷-۶۶.
- حیدرنتاج، وحید (۱۳۸۹) هنجار شکل‌یابی باغ ایران، رساله دکتری منتشر نشده، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- منصوری، سیدامیر (۱۳۸۴) درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی، مجله باغ نظر، شماره ۳، صص ۶۳-۵۸.

تصویر ۲: باغ ایرانی در فضای آموزشی، مدرسه خان، شیراز. عکس: محمد آتشین‌بار، ۱۳۸۴.

Pic2. Persian garden in an educational space. Madrese-e Khan, Shiraz, Iran, Photo by: Mohamad Atashinbar, 2005



Pic4. Presence of water, interacting with nature, variation of spaces and create a defined areas in the Persian gardens are main reasons which attract people. Afif-Abad Garden, Shiraz, Iran. Photo by: Dina Zarif, 2009.

تصویر ۴: حضور آب، تعامل با طبیعت، تنوع فضایی و ایجاد فضاهایی مستقل در باغ‌های ایرانی از جمله عواملی است که مردم را به سوی خود می‌کشاند. باغ عقیق‌آباد، شیراز، ایران. عکس: دینا ظریف، ۱۳۸۸.